

دیدگاه دانشجویان در خصوص چگونگی راهنمایی و مشاوره تحصیلی در دانشگاه: یک مطالعه کیفی

با استفاده از تحلیل محتوا

فروزان رضاپور شاه کلائی^۱، نوشین سلیمی^{۲،۳*}، خدیجه عزتی رستگار^۲، الهام قیسوندی^۲، پریسا پارسا^۴، میترا دوگونچی^۲

چکیده

مقدمه: مشاوره صحیح برای ارتقای سطح کیفی زندگی و پیشرفت در جامعه به ویژه در مراکز آموزشی از اهمیت زیادی برخوردار است. مطالعه کیفی حاضر با توجه به اهمیت شناخت عمیق دیدگاه‌های دانشجویان در راستای چالش‌ها و تسهیل‌کننده‌های فرایند مشاوره، طراحی و اجرا گردید.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی و از نوع تحلیل محتوا بود. در این مطالعه، روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف و با مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با رعایت حداکثر تنوع و با مشارکت ۳۰ دانشجو انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله اشباع پیش رفت و سپس تحلیل داده‌ها از طریق شیوه تحلیل محتوای قراردادی انجام گرفت، به نحوی که پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و غوطه‌وری در تحلیل داده‌ها، کدهای اولیه استخراج شد. در مراحل بعدی بازبینی، بررسی و طبقه‌بندی کدهای اولیه به منظور تعیین طبقات اصلی انجام شد.

نتایج: از دیدگاه دانشجویان، چالش‌های پیش روی مشاوره تحصیلی شامل دو درون‌مایه اصلی، چهار طبقه اصلی و هفت زیر طبقه بود. درون‌مایه‌ها شامل نیاز به بهبود عوامل سازمانی مربوط به فرایند مشاوره و نیاز به بهبود عوامل فردی در بین اساتید و دانشجویان و طبقات اصلی شامل عدم اطلاع‌رسانی مناسب به دانشجو، در دسترس نبودن استاد مشاور، انتخاب استاد مشاور بدون نظرسنجی دانشجو و ارتباط نامناسب بین استاد و دانشجو بود. در رابطه با تسهیل‌کننده‌های فرایند مشاوره یک درون‌مایه (تقویت عوامل سازمانی مربوط به فرایند مشاوره) سه طبقه اصلی و چهار زیر طبقه به دست آمد. طبقات اصلی شامل تفکیک مشاور از مدرس، توانمندسازی اساتید مشاور و آزادی عمل دانشجو در انتخاب استاد مشاور بود.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که فرایند مشاوره در دانشگاه با چالش‌های سازمانی و فردی همچون عدم اطلاع‌رسانی مناسب به دانشجو، در دسترس نبودن استاد مشاور، انتخاب استاد مشاور بدون نظرسنجی دانشجو و ارتباط نامناسب بین استاد و دانشجو مواجه است و بر اساس دیدگاه‌های دانشجویان به نظر می‌رسد که با تفکیک مشاور از مدرس، آزادی عمل دانشجو در انتخاب استاد مشاور و توانمندسازی اساتید مشاور، می‌توان فرایند مشاوره را بهبود بخشید.

واژه‌های کلیدی: موانع مشاوره، تسهیل‌کننده‌های مشاوره، استاد مشاور، راهنمایی دانشجو

- ۱- دانشیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
 - ۲- دکترای آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
 - ۳- استادیار، گروه بهداشت عمومی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
 - ۴- دانشیار، گروه بهداشت و سلامت مادر و کودک، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
- * (نویسنده مسئول): تلفن: ۰۹۱۸۶۲۱۲۸۴۸ پست الکترونیکی: nooshin.salimi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲

تاریخ بازبینی: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷

مشاوره فرایندی است مبتنی بر یک رابطه دوستانه و تخصصی که طی آن مشاور کارآمد با استفاده از دانش و مهارت‌های ویژه خود، امکان رشد، حل مشکل و تغییر مراجع یا مراجعان خود را فراهم می‌سازد (۱). دانشجویان در دوران تحصیل با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند که می‌تواند آسیب‌های مخرب و جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. فشارهای روانی ناشی از تغییر در شرایط زندگی، دوری از خانه و خانواده، مشکلات مالی و اقتصادی، ازدواج، اشتغال حین تحصیل و به تبع آنها مشکلات آموزشی از جمله عدم کفایت علمی و تحصیلی، ترک تحصیل و عدم دستیابی به اهداف آموزشی و طولانی شدن مدت تحصیل نمایانگر مسئولیت خطیر مسئولین دانشگاه در جهت شناسایی و کنترل و پیشگیری از این آسیب‌هاست (۲، ۳). این در حالیست که یک مشاوره مناسب از طرف فردی متخصص و با صلاحیت، می‌تواند منجر به حل مشکلات دانشجویان شده به طوری که علاوه بر آموزش نحوه مواجهه با رویدادهای زندگی، به گسترش بینش، حل تعارضات درونی و رشد روابط سازنده با دیگران می‌انجامد و در نهایت موجب بازدهی و کارآمدی بیشتر نظام آموزشی، افزایش پیشرفت و کاهش افت تحصیلی می‌گردد و فرصت‌هایی را برای رشد و تغییر الگوی رفتاری آنان فراهم نماید (۳، ۴).

بازنگری آئین‌نامه استاد مشاور از سال ۱۳۹۸ در هفتاد و دومین شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی تصویب شده و در حال اجرا است. در این برنامه، راهنمایی و مشاوره باید از بدو ورود دانشجو به محیط آموزشی آغاز و تا پایان دوران تحصیل ادامه یابد. قبل از آغاز هر نیمسال تحصیلی، برنامه حضور استادان مشاور توسط خود آنان و با توجه به برنامه کلاسی دانشجویان تحت پوشش هر استاد، تنظیم شده و به اطلاع دانشجویان می‌رسد. استاد مشاور با حداقل سه سال سابقه آموزشی و گواهی شرکت در دوره‌های توجیهی (قوانین، مقررات آموزش و مشاوره) با تسلط بر آئین‌نامه‌ها، محیط و فرهنگ دانشگاه و نیز آشنایی با جامعه، به عنوان فردی خردمند و قابل

اعتماد دانشجو، هدایت دانشجو در زمینه‌های برنامه‌ریزی درسی، ادامه تحصیل و پذیرش مسئولیت شغلی آینده را بر عهده دارد. تا حد امکان رشته تحصیلی استاد مشاور و دانشجو باید مشابه بوده و در طول تحصیل دانشجو ثابت باشد. استاد مشاور باید دانشجو را با مقررات آموزشی، پژوهشی و تحصیلی آگاه نموده و از طریق سامانه سما به اطلاعات فردی، تحصیلی، خانوادگی و کارنامه تحصیلی او دسترسی داشته باشد. لازم به ذکر است ارزیابی سالانه عملکرد استادان مشاور توسط دانشجویان انجام شده و نتایج آن به معاون آموزشی دانشکده ارائه می‌گردد و به طور محرمانه در اختیار استاد مشاور قرار گرفته تا نقاط ضعف و قدرت خود را بررسی نماید (۵).

به طور کلی عوامل مختلفی بر موفقیت و تاثیر فرایند مشاوره نقش دارند که از جمله جنس، سن، طبقه اجتماعی مشاوره دهنده و مشاوره گیرنده و آشنایی مشاور با فنون مشاوره را می‌توان نام برد. همچنین برای ایجاد رابطه استاد مشاوره موفق، متعهد و ارتقا مهارت‌های بین فردی استاد و دانشجو و محیط، وجود تسهیل‌کننده در دانشگاه‌های پزشکی لازم است (۶، ۴). تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که بنا بر نظرات دانشجویان، اساتید راهنما موفقیت کاملی در ارائه مشاوره و راهنمایی دانشجویان نداشته‌اند و دانشجویان، اساتید مشاور را به عنوان منبع مطمئن و مرجع نیازهای خود در طی تحصیل نمی‌شناسند (۷، ۴). مولفه‌های یک مشاوره‌ی کارآمد و خوب در جوامع مختلف جدای از اشتراکاتی که دارد، از وجوه متمایزی نیز برخوردار می‌باشد و هرگز نمی‌توان یکسری مولفه‌های کلی و مطلق را برای مشاوره در تمام جوامع مشخص نمود (۸). همچنین با توجه به این مطلب که تحقیقات انجام شده در مورد مشاوره تحصیلی، تحقیقاتی کمی بوده و شناخت و شفاف‌سازی عمیق ابعاد مختلف عملکرد این مراکز نیازمند انجام مطالعه‌ای کیفی است، لذا این مطالعه با هدف بررسی کیفی دیدگاه و نظرات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان در ارتباط با مشاوره و راهنمایی تحصیلی انجام شد.

روش کار

از آنجایی که هدف مطالعه تبیین دیدگاه دانشجویان در خصوص چگونگی راهنمایی و مشاوره تحصیلی بود، در این مطالعه کیفی از روش تحلیل محتوای قراردادی یا همان Conventional content analysis استفاده شد. این روش زمانی مناسب است که نظریه‌های موجود یا متون قبلی در مورد پدیده مورد نظر محدود باشد. این روش موجب کسب اطلاعات عمیق و با ارزش از شرکت‌کنندگان می‌شود. در روش تحلیل محتوا، محققان از بکارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب کرده و در عوض طبقات از داده‌ها استخراج می‌شوند. در این حالت تحلیل داده‌ها با خواندن آنها به صورت مکرر آغاز می‌شود تا درکی کامل درباره آنها به دست آید. امتیاز بارز تحلیل محتوای کیفی قراردادی، به دست آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه بدون تحمیل طبقات یا نظریه‌های از پیش تعیین شده می‌باشد (۹). بنابراین محققان باید کاملاً در داده‌ها غوطه‌ور شوند تا بتوانند به درک و بصیرتی نو دست پیدا کنند.

در این مطالعه ۳۰ دانشجو از دانشکده‌های مختلف (دانشکده-های علوم پایه شامل دانشکده‌های داروسازی، بهداشت و دانشکده‌های علوم بالینی شامل دانشکده‌های پزشکی، پرستاری-مامایی، دندانپزشکی، توانبخشی و پیراپزشکی) این دانشگاه به روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع از نظر رشته و مقطع تحصیلی از بین دانشجویانی که استاد مشاور داشتند انتخاب شدند. در پژوهش حاضر دانشجویانی انتخاب می‌شدند که حداقل دو ترم گذشته را در دانشگاه علوم پزشکی همدان مشغول به تحصیل بوده و رضایت خود مبنی بر مشارکت در مطالعه را اعلام می‌کردند. ملاحظات اخلاقی در این مطالعه شامل کسب رضایت‌نامه کتبی و آگاهانه از شرکت‌کنندگان با تاکید بر بیان هدف انجام پژوهش، کسب اجازه از آنان جهت ضبط صدا و آزاد بودن آنها برای کناره‌گیری از پژوهش در هر زمان از مطالعه بود. کلیه مصاحبه‌ها به صورت فردی و چهره به چهره، توسط دو نفر از اعضای تیم تحقیق که دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت بود، انجام شد (یک نفر سوالات را پرسیده و نفر دوم علاوه بر نوشتن و

ضبط صدا، به زبان بدنی مصاحبه‌شونده توجه می‌نمود و تمام حالات وی را یادداشت می‌کرد) و تا زمان اشباع داده‌ها و عدم دستیابی به داده‌های جدید، ادامه یافت. همچنین مصاحبه‌ها بصورت نیمه ساختار یافته انجام شد تا علاوه بر دستیابی به پاسخ سوالات از پیش تعیین شده، فرصتی هم برای آنچه که شرکت‌کننده مایل است از تجارب خود در زمینه پژوهش بیان نماید، فراهم گردد. ابتدا مصاحبه‌ها با طرح سوالات کلی آغاز شده و در ادامه به بررسی عمیق‌تر آن پرداخته می‌شد. در شروع مصاحبه، سوالات دموگرافیک (مثل سن و نام دانشکده) پرسیده و سپس روند مصاحبه با سوالات عمومی‌تر ادامه یافت همزمان با پیشرفت مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها و نیز نوع پاسخ مشارکت‌کنندگان، سوالات جزئی‌تر نیز پرسیده شد. به عنوان مثال پس از سوالات گرم‌کننده مصاحبه از آنان پرسیده می‌شد که آیا استاد مشاور خود را می‌شناسند و یا اینکه چگونه با او آشنا شدند. در ادامه از آنان پرسیده می‌شد که به نظر آنان یک استاد مشاور چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و یا انتظار آنها از استاد مشاور چیست و چگونه می‌توان ارتباط استاد مشاور با دانشجو را محکم‌تر نمود. در ادامه مصاحبه‌ها توسط فرد مصاحبه‌کننده جمع‌بندی و برای مصاحبه‌شوندگان خوانده و از آنها خواسته شد که اگر برداشت محقق درست است تایید و اگر تناقضی وجود دارد، آن را مطرح نمایند. زمان انجام هر مصاحبه، حدوداً بین ۳۰ تا ۷۰ دقیقه بود. مصاحبه از دانشجویان به صورت انفرادی در زمان‌های فراغت دانشجو و در مکانی که مورد ترجیح آنها بود، صورت گرفت. تمام پاسخ‌های شرکت‌کنندگان توسط یکی از اعضای تیم تحقیق یادداشت شده و در صورت موافقت شرکت‌کنندگان صدای آنها توسط ضبط صوت، ضبط می‌گردید. در مواردی که اجازه ضبط صدا داده نمی‌شد، تیم تحقیق به ناچار به یادداشت صحبت‌ها اکتفا می‌نمود. به منظور کاهش خطای مصاحبه، تیم مصاحبه‌کننده دارای رشته دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت بوده و از افرادی انتخاب شده بودند که به فرایند مصاحبه کیفی آشنا بودند. همچنین این تیم قبلاً در خصوص مطالعه کیفی و فرایند

مصاحبه آموزش‌های لازم را دیده بود. علاوه بر این مصاحبه شونده‌گانی انتخاب می‌شدند که ارتباط دوستانه یا کاری با تیم پژوهش نداشته و آنها به راحتی می‌توانستند بطور یکسان سوالات را از همه مصاحبه‌شوندگان بپرسند. به منظور تجزیه و تحلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان از روش تحلیل محتوای قراردادی Graneheim و Lundman استفاده شد (۱۰). بدین صورت که بعد از اتمام هر مصاحبه، تیم تحقیق یادداشت‌های نوشته شده را با صدای ضبط شده مطابقت داده، سپس واحدهای معنی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در قالب کدهای اولیه از مصاحبه‌ها استخراج شدند. کدهای اولیه بر اساس تشابه مفهومی در زیرطبقات دسته‌بندی و نام‌گذاری شدند. پس از بازنگری، اصلاح و تأیید توسط تیم تحقیق، روند جمع‌آوری و آنالیز داده‌ها ادامه یافت. زیرطبقات با هم مقایسه شده و در طبقات اصلی که انتزاعی‌تر بودند، قرار گرفتند. طبقات اصلی نیز دسته‌بندی شده و به آنها مفهومی انتزاعی‌تر اختصاص داده شد (درون‌مایه) و در نهایت یافته‌ها گزارش گردید.

پنج معیار اعتبار، تأییدپذیری، قابلیت اعتماد، قابلیت انتقال و قابلیت مستندسازی برای صحت اطلاعات کیفی به کار می‌رود (۱۱). در این پژوهش برای افزایش اعتبار، زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌های عمیق صرف شد. متن کدگذاری شده به مشارکت‌کنندگان برگردانده و صحت و تناسب کدهای استخراج شده بازنگری و در صورت لزوم اصلاح شد. همچنین با کمک تیم پژوهش و سایر متخصصین نحوه کدگذاری داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. تأییدپذیری یا عینیت واقع‌نشان‌دهنده بی‌طرفی محققان و توافق همه اعضای تیم تحقیق روی مصاحبه‌ها است. در مطالعه حاضر داده‌ها به طور کامل برگرفته از اطلاعات شرکت‌کنندگان بود (۱۲). قابلیت اعتماد به معنای پایداری داده‌ها در طی زمان و مکان می‌باشد که در مطالعه حاضر از طریق تکرار گام به گام و بررسی دقیق داده‌ها صورت گرفت. جهت دستیابی به قابلیت انتقال، محقق از طریق مصاحبه با شرکت‌کنندگان متفاوت و ارائه نقل قول‌های مستقیم، توصیفی غنی و عمیق از اطلاعات برای خوانندگان فراهم نمود تا آنها

کاربرد داده‌ها در دیگر زمینه‌ها را ارزشیابی نمایند. قابلیت مستندسازی به معنای میزان صداقت و انصافی است که محقق از واقعیت‌ها نشان می‌دهد. در این مطالعه تلاش شد تا تجربه شرکت‌کنندگان به وضوح نمایان گردد. در نهایت برای افزایش دقت علمی پژوهش از بازبینی توسط همکار استفاده شد. بدین معنا که با تعامل هر چه بیشتر بین اعضای تیم تحقیق به خصوص متخصصانی که در زمینه مطالعه کیفی تجربه بیشتری داشتند، مطالعه از طریق مباحثات انتقادی به چالش کشیده شد و نتایج در بهبود مطالعه به کار گرفته شد.

این پژوهش حاصل بخشی از طرح دانشجویی با کد اخلاق IR.UMSHA.REC.1395.63 مصوب کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی همدان می‌باشد.

یافته‌ها

از بین ۳۰ دانشجو، ۱۳ نفر از دانشکده‌های علوم پایه و ۱۷ نفر از دانشکده‌های علوم بالینی بودند. ۷۶ درصد مشارکت‌کنندگان زن و ۲۴ درصد مرد بودند. اکثر آنها در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بوده و میانگین سنی آنها ۲/۵۷ ± ۲۱/۰۱ سال بود. همانطور که در جدول شماره ۱ در خصوص نظرات و دیدگاه دانشجویان نسبت به چالش‌های مربوط به مشاوره تحصیلی نشان داده شده است، پس از تجزیه و تحلیل مداوم و مقایسه کدها، در نهایت ۲ درون‌مایه اصلی، ۴ طبقه و ۷ زیر طبقه به دست آمد. همچنین بر اساس جدول شماره ۲ در خصوص نظرات و دیدگاه دانشجویان نسبت به تسهیل‌کننده‌ها در مسیر فرایند مشاوره، پس از تجزیه و تحلیل مداوم و مقایسه کدها، در نهایت به ۱ درون‌مایه اصلی، ۳ طبقه و ۴ زیرطبقه دست یافتیم.

دیدگاه دانشجویان نسبت به چالش‌های مربوط به مشاوره تحصیلی:

۱. نیاز به ارتقاء عوامل سازمانی مربوط به فرایند مشاوره: (الف) عدم اطلاع‌رسانی مناسب به دانشجو: در این بخش یکی از دلایل کم بودن تعداد مشاوره‌های دانشجویی، عدم اطلاع‌رسانی مناسب در خصوص فرایند مشاوره به دانشجو ذکر می‌شد. دانشجویان معتقد بودند که خیلی از آنها اطلاعی از وجود استاد مشاور نداشته و یا شرح وظایف آنها را نمی‌دانستند. "ما فقط در برگه‌ی انتخاب واحد اسم استاد مشاور را دیده‌ایم و الا تا حالا پیشش نرفتیم." (دانشجوی شماره ۵)

"دانشجو معمولاً ترم‌های اول از دانشگاه و استاد مشاور زیاد اطلاع ندارد اگر هم باشد برای انتخاب واحد است." (دانشجوی شماره ۱۱)

ب) در دسترس نبودن استاد مشاور: بیشتر دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه از عملکرد مشاوره‌ی اساتید ناراضی بودند. آنها در دسترس نبودن استاد مشاور را یک مشکل مهم در دریافت خدمات مشاوره می‌دانستند و از نظر آنها این عدم دسترسی به دلیل حجم کاری زیاد اساتید بود.

"نباید از اساتید گله کرد چون مشغله‌شان زیاد است و علاوه بر تدریس پست‌های دیگری هم دارند. بنابراین نمی‌توان به آنها آنطور که باید دسترسی پیدا کرد." (دانشجوی شماره ۲۱)

"به نظر من درست نیست که استاد مشاور را از آدم‌هایی انتخاب کنند که مشغله زیادی دارند، چون مشاوره کار سنگینی است و همیشه باید در دسترس باشند." (دانشجوی شماره ۱۶)

ج) انتخاب استاد مشاور بدون نظرسنجی دانشجو: دانشجویان احساس می‌کردند که حق انتخابی ندارند و گاهی علاقه‌ای نیز به استاد منتخب نداشتند.

"دانشجو هیچ حقی در انتخاب استاد مشاور ندارد و ممکن است کسانی انتخاب شوند که به آنها علاقه نداریم پس چطور می‌توانیم به او اعتماد کنیم؟" (دانشجوی شماره ۱۹)

۲. نیاز به ارتقا عوامل فردی در بین اساتید و دانشجویان:

الف) ارتباط نامناسب بین استاد و دانشجو: دانشجویان از بیان مشکلات خصوصی خود نزد اساتید مشاور بیمناک بودند و به آنها اعتمادی نداشتند.

"من تا ترم چهار جرات نمی‌کردم آنطور که باید به او (استاد مشاور) اعتماد کنم... پیشش بروم و حرف‌هایم را بزنم... بعضی مواقع مشکل ما مثلاً با اخلاق و رفتار یک استاد است. نمی‌توان اعتماد کرد به اینکه استاد مشاور حرف‌های مرا به ایشان منتقل نکند به هر حال آنها با هم همکاری ندارند." (دانشجوی شماره ۴)

برخورد نامناسب اساتید با دانشجویان که منجر به دل‌سرد شدن دانشجویان نسبت به پیامد مشاوره شده بود.

"به نظر من برخی از اساتید اصلاً برخورد مناسبی با دانشجو ندارند، پس چگونه می‌توان با آنها درد دل کرد... گاهی آنقدر سرد برخورد می‌کنند که از رفتن به اتاق استاد پشیمان می‌شوی..." (دانشجوی شماره ۲۲)

از دید دانشجویان، وضعیت آنها برای استاد مشاور مهم نبود. دانشجویان عقیده داشتند که برخی از اساتید در انجام امر مشاوره کوتاهی می‌کردند.

"من فکر نمی‌کنم با وجود گرفتاری‌های استاد، خیلی مشکلات شخصی من برایش مهم باشد. من ترم قبل مشکل جابجایی واحدهای درسی داشتم وقتی از مشاورم پرسیدم چکار کنم، گفت هر طور خودت می‌دانی و کمکی به من نکرد و من مجبور شدم از بچه‌های سال بالایی راهنمایی بگیرم." (دانشجوی شماره ۱۴)

دانشجویان اعتقاد داشتند که اساتید مشاوره مهارت کافی برای انجام مشاوره را نداشتند و دلیل ناکافی بودن مهارت آنها را در پایین بودن دانش مشاوره و نداشتن تجربه کافی می‌دانستند.

"استاد مشاور باید بتواند ذهن طرف را بخواند و بداند چی می‌خواهم بگویم، یعنی قشنگ خودش را جای اون کسی که مشکل دارد بگذارد." (دانشجوی شماره ۱۸)

"بسیاری از اساتید تجربه‌ی مشاوره ندارند و یا حتی کم‌کاری می‌کنند. بنابراین دانشجو برای آنها مهم نیست. پس ارتباط خوبی برقرار نمی‌کنند." (دانشجوی شماره ۱)

جدول ۱- دیدگاه‌های دانشجویان نسبت به چالش‌های مربوط به مشاوره تحصیلی

کد	زیر طبقه	طبقه	درون‌مایه اصلی
	فقدان دستورالعمل‌های روشن و شفاف در خصوص مشاوره، شناخت ناکافی دانشجو از وجود استاد مشاور، ناآگاهی دانشجو از وظایف استاد مشاور	عدم شناخت نسبت به فرایند مشاوره	نیاز به ارتقاء عوامل
	کم بودن تعداد اساتید، عدم تناسب تعداد دانشجویان و مشاوران	حجم کاری اساتید مشاور	سازمانی مربوط به
	عدم علاقه به استاد منتخب، فقدان استراتژی‌های انگیزشی	انتخاب استاد مشاور بدون نظرسنجی دانشجو	فرایند مشاوره
	خصوصی بودن اغلب مشکلات دانشجو، مواجهه مکرر با اساتید مشاور در کلاس‌های درس	ترس از افشای اسرار دانشجو	نیاز به ارتقا عوامل
	برخورد نامناسب برخی اساتید با دانشجویان، انعطاف‌پذیری پایین استاد	دل‌سرد شدن دانشجو نسبت به مشاوره	فردی در
	بی‌انگیزگی استاد، مسامحه برخی از اساتید مشاور	مهم نبودن وضعیت دانشجو برای استاد مشاور	بین اساتید و دانشجو
	پایین بودن دانش مشاوره در استاد مشاور، ضعف در مهارت‌های علمی و عملی برخی اساتید	نداشتن مهارت کافی برای انجام مشاوره	یان
	نداشتن تجربه کافی مشاوره در برخی اساتید مشاور		

دیدگاه دانشجویان نسبت به تسهیل‌کننده‌های مربوط به مشاوره تحصیلی:

۱. تقویت عوامل سازمانی مربوط به فرایند مشاوره:

الف) تفکیک مشاور از مدرس: دانشجویها اعتقاد داشتند که مشاور باید عضو اساتید دانشگاهی نباشد و این امر نیاز به تخصص روانشناختی دارد.

" من برای مشکلاتم ترجیح می‌دم که پیش مشاوره خارج از دانشگاه بروم آخه آنها روانشناسی خوندن و بهتر می‌تونن تو مشکلاتم بهم کمک کنن." (دانشجوی شماره ۱۷)

ب) توانمندسازی اساتید مشاور: از دیدگاه دانشجویان، اساتید نیاز داشتند که در رابطه با مشاوره توانمند شوند.

و بیان نمودند که این توانمندسازی می‌تواند از طریق برگزاری نشست‌های مشورتی بین اساتید به منظور اشتراک‌گذاری تجارب مثبت در مشاوره و برگزاری دوره‌های آموزشی برای آنان صورت گیرد.

"اساتید باید بعضی وقت‌ها با هم جلساتی داشته باشند و تجربه‌هاشون رو با هم رد و بدل کنن، به نظر من این کار خیلی میتونه کمک‌کننده باشه." (دانشجوی شماره ۲۸)

ج) آزادی عمل دانشجو در انتخاب استاد مشاور: دانشجویان بیان کردند که نیاز دارند خودشان اساتید مشاورشان را انتخاب کنند. آنها دلیل این خواسته را نیاز به درک متقابل استاد و دانشجو دانستند.

" روزی که انتخاب واحد کردم، گفتن این خانوم استاد مشاور منه. بعدا که با اساتید بیشتر آشنا شدم دوست داشتم فرد دیگه‌ای استاد مشاورم باشه." (دانشجوی شماره ۱۳)

جدول ۲- دیدگاه‌های دانشجویان نسبت به تسهیل‌کننده‌های مشاوره تحصیلی

کد	زیر طبقه	طبقه	درون‌مایه اصلی
	نیاز به تخصصی کردن مشاوره روانشناسان برای مشاوره	تفکیک مشاور از مدرس	تقویت عوامل سازمانی مربوط به فرایند مشاوره
	در نظر گرفتن تفاوت در نیازهای مشاوره‌ای دانشجویان، توجه به حجم کاری اساتید هیئت علمی		
	ارتقاء تجارب اساتید مشاور	برگزاری نشست‌های مشورتی اساتید مشاور و اشتراک تجارب با هم	توانمندسازی اساتید مشاور
	به روز بودن اطلاعات اساتید	برگزاری دوره‌های آموزشی	
	توجه به معیارهای انتخاب دانشجویان، تناسب سنی و جنسی استاد مشاور با دانشجو	درک متقابل استاد و دانشجو	آزادی عمل دانشجو در انتخاب استاد مشاور

بحث

این جلسات نبودند که این امر می‌تواند منجر به شناخت ناکافی نسبت به استاد مشاوره و فرایند مشاوره شود (۱۴).

چالش دیگر از دیدگاه دانشجویان در دسترس نبودن اساتید مشاور بود. دسترسی راحت به مشاوران، باعث ایجاد حس امنیت و روابط محکم با دانشجویان می‌شود که رضایت دانشجویان از فرایند مشاوره را به همراه دارد (۱۵). Miller در مطالعه خود نشان داد که در دسترس بودن استاد مشاور باعث افزایش روابط محکم بین مشاور و دانشجو می‌شود (۱۶). تقریباً در هر حرفه‌ای، انتخاب آزادانه و حساب شده یک مشاور خوب، برای موفقیت حیاتی است در این خصوص دانشجویان اذعان داشتند که انتخاب استاد مشاور بدون نظرسنجی دانشجو صورت می‌گیرد. این در حالیست که Joy و همکاران در مطالعه خود نشان دادند که دانشجویان برای انتخاب استاد مشاور خود به معیارهای متعددی همچون شخصیت استاد، حوزه تحقیقات استاد، میانگین سال‌های مشاوره، توانمندی علمی او، میزان دسترسی به استاد و حتی جنسیت وی توجه می‌کنند (۱۷).

برخی دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه از ارتباطشان با اساتید مشاوره ناراضی بودند. در این رابطه مطالعات نشان می‌دهند که رعایت عدالت در برخورد با دانشجویان، احترام به دانشجویان، تسلط بر مطالب علمی، به روز بودن و مسئولیت-

از دیدگاه دانشجویان، چالش‌های پیش روی مشاوره تحصیلی شامل ۲ درون‌مایه اصلی (نیاز به ارتقا عوامل سازمانی مربوط به فرایند مشاوره و نیاز به ارتقا عوامل فردی در بین اساتید و دانشجویان) و ۴ طبقه اصلی شامل عدم اطلاع‌رسانی مناسب به دانشجو، در دسترس نبودن استاد مشاور، انتخاب استاد مشاور بدون نظرسنجی دانشجو و ارتباط نامناسب بین استاد و دانشجو بود. در این راستا مطالعه‌ای موازی و همزمان با مطالعه حاضر توسط تیم تحقیق در بین اساتید دانشگاه انجام شد تا دیدگاه اساتید در خصوص چالش‌ها و تسهیل‌کننده‌های فرایند مشاوره تحصیلی سنجیده شود. از دیدگاه اساتید دانشگاه، عدم مراجعه دانشجو جهت دریافت مشاوره، نیاز سازمانی به ارتقاء شرایط مشاوره تحصیلی و ضعف در مهارت‌های ارتباطی استاد از چالش‌های مهم در فرایند مشاوره تحصیلی بودند (۱۳).

به نظر می‌رسد اختصاص جلسه‌ای تحت عنوان معارفه با دانشجویان جدیدالورود، هنوز به طور کامل در برخی دانشگاه‌ها اجرا نگردیده و اساتید مشاور به دلایل مختلف از جمله تنوع فعالیت‌ها و فقدان زمان کافی برای تشکیل جلسه و یا عدم انطباق زمان آزاد دانشجویان و اساتید مشاور، قادر به برگزاری

پذیری استاد مشاور، برای جلب اعتماد دانشجو و برقراری ارتباط موثر با آنها ضروری است که با نتایج مطالعه حاضر همخوانی دارد (۱۸). نتایج مطالعه اسماعیل پور و همکاران نشان داد که مهمترین مساله در خصوص مشاوره از دیدگاه دانشجویان، محرمانه بودن اطلاعاتشان نزد استاد مشاور بود (۱۹). در این خصوص نتایج مطالعه جبرائیلی و همکاران نشان داد که اساتید، مشاوره را فقط مشاوره تحصیلی دانسته در حالی که دانشجویان انتظاراتی فراتر از مشاوره تحصیلی از اساتید داشته و گاهی اوقات جهت کسب مشاوره در مورد مشکلات خانوادگی به استاد راهنما مراجعه نموده‌اند. این در حالیست که از دیدگاه دانشجویان مشاوره امری ضروری و تخصصی‌تر از آموزش بوده که اساتید توانایی لازم را در این زمینه ندارند (۷). از دیدگاه دانشجویان، تسهیل‌کننده‌های فرایند مشاوره تحصیلی شامل ۱ درون‌مایه اصلی (تقویت عوامل سازمانی مربوط به فرایند مشاوره) و ۳ طبقه اصلی شامل تفکیک مشاور از مدرس، توانمندسازی اساتید مشاور و آزادی عمل دانشجو در انتخاب استاد مشاور بود. در خصوص تفکیک مشاور از مدرس، دانشجویان اعتقاد داشتند مشاوره امری تخصصی است و اساتید بدون داشتن تخصص لازم به خوبی از عهده مشاوره بر نمی‌آیند. این در حالیست که متأسفانه نظام استاد مشاور در دانشگاه‌های کشور، به دلیل فقدان تخصص و بی‌علاقگی اساتید به رفع مشکلات دانشجویان نتوانسته نتایج درخشانی به بار آورد (۲۰). نتایج مطالعه Sintao و همکاران نشان داد که از دیدگاه دانشجویان، اساتید مشاور از صلاحیت کافی برخوردار نبوده و اطلاعات آنان در زمینه مشاوره تحصیلی ناکافی است (۲۱). از نظر دانشجویان توانمندسازی اساتید مشاور نقش مهمی در تسهیل مشاوره تحصیلی داشت. نتایج مطالعه‌ای در اهواز نشان داد که دانشجویان از عملکرد اساتید راهنمای خود چندان راضی نبودند، به خصوص درباره مواردی از قبیل مشکلات شخصی و خانوادگی، آینده شغلی و بازار کار، تحقیق و پژوهش، انتخاب و حذف واحدهای درسی و ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر که از نیازهای مهم مشاوره‌ای دانشجویان است که

ضرورت توانمندسازی اساتید را تایید می‌کند (۲۲). مطالعه Damrose-Mahlmann و همکاران نشان داد که مشاورانی که بر وظایف، مهارت‌ها و توانمندی‌هایشان تمرکز مثبت دارند، اعتماد به نفس بیشتری داشته و نیز اعتماد دانشجویان را بیشتر به دست می‌آوردند که این خود باعث تقویت و غنی‌سازی رابطه مشاوران و دانشجویان می‌شد (۲۳). تسهیل‌کننده دیگر از دیدگاه دانشجویان، آزادی عمل دانشجو در انتخاب استاد مشاور بود. مطالعات نشان دادند اکثریت دانشجویان ترجیح می‌دهند که استاد مشاورشان را خود انتخاب کرده و در صورت لزوم آن را تغییر دهند که شاید دادن حق انتخاب به دانشجو باعث ارتباط بیشتر و نزدیک‌تر با استاد مشاور و بهره‌مندی او از خدمات مشاوره اساتید و در نتیجه ارتقای سطح رضایت‌مندی دانشجویان شود (۲۴).

در مجموع بنظر می‌رسد دانشجویان نسبت به اهمیت و نقش سازنده مشاوره و راهنمایی تحصیلی، دیدگاه مثبت دارند اما از شرایط فعلی مشاوره، رضایت کامل ندارند و علیرغم اهداف گسترده و با ارزشی که در ارتباط با نقش اساتید مشاور در نظر گرفته شده، به دلایل مختلف تا نایل شدن به این اهداف، فاصله بسیاری وجود دارد.

نتیجه گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که فرایند مشاوره در دانشگاه با چالش‌های سازمانی و فردی همچون عدم اطلاع رسانی مناسب به دانشجو، در دسترس نبودن استاد مشاور، انتخاب استاد مشاور بدون نظرسنجی دانشجو و ارتباط نامناسب بین استاد و دانشجو مواجه است و بر اساس دیدگاه‌های دانشجویان به نظر می‌رسد که با تفکیک مشاور از مدرس، آزادی عمل دانشجو در انتخاب استاد مشاور و توانمندسازی اساتید مشاور می‌توان فرایند مشاوره را بهبود بخشید.

تشکر و قدردانی

این پژوهش حاصل بخشی از طرح دانشجویی است که توسط معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی همدان

13. Rezapur-Shahkolai F, Salimi N, Parsa P, Ezzati Rastgar K, Gheysvandi E, Dogonchi M. *Faculty members' points of view regarding the challenges and facilitators of students academic counseling process in university: A qualitative study*. Journal of Qualitative Research in Health Sciences. In press 2020.
14. Moulana Z, Shahandeh Z, Alaoddolehei H, Kalantari N. *Assessment of satisfaction rate of paramedical students about their professor advisors activities at Babol university of medical sciences, 2011*. Biannual Journal of Medical Education 2013; 1(1): 45-50.
15. Kohle Paul W, Fitzpatrick C. *Advising as servant leadership: Investigating student satisfaction*. The Journal of the National Academic Advising Association 2015; 35(2): 28-35.
16. Miller MA. *Academic advisors of military and student veterans: An ethnographic study*. The Journal of Continuing Higher Education 2015; 63(2): 98-108.
17. Joy S, Liang X, Bilimoria D, Perry S. *Doctoral advisor-advisee pairing in STEM fields: Selection criteria and impact of faculty, student and departmental factors*. International Journal of Doctoral Studies 2015; 10(1): 343-63.
18. Abedini MR, Abassi A, Mortazavi FF, Bijari B. *Students' Viewpoint of Factors Affecting Teacher-Students Communication ,A Study in Birjand University of Medical Sciences*. Iranian Journal of Medical Education 2012; 12(6): 439-47.
19. Esmailpour M. *Attitude of medical bachelor students toward faculty's educational counseling duties*. The Journal of Medical Education and Development 2017; 11(3): 210-7.
20. Tairi F, Sepehr S, Yousefi F, Zarezadeh Y. *The rate of lectures attitude towards academic counseling and its related factors at Kurdistan University of Medical Sciences in 2016*. Shenakht journal of psychology & psychiatry 2019; 6(2): 161-70.
21. Sintao N. *Academic Counseling to MPA Student Stamford International University*. Kasem Bundit Journal 2019; 20(February): 88-103.
22. Shakurnia A, Asadollahi P, Elhampour H, Khodadadi A. *Present and desired status of student counseling in opinions of AJUMS*. Jundishapur Scientific Medical Journal 2011;10(5):469-79.
23. Damrose-Mahlmann C. *Community college academic advisor experiences with the appreciative advising model*. 2016.
24. Sum S, Tayebi M, Gharakhani M, Moslemi D, Pourghasem M. *Role of university advisors in the viewpoint of medical sciences' students*. Education Strategies in Medical Sciences 2012; 5(1): 23-9.

Students' perspectives in relation to academic counseling in the university: A qualitative study using Content analysis

Rezapur-Shahkolai F (Ph.D)¹, Salimi N (Ph.D)^{2,3*}, Ezzati Rastgar Kh (Ph.D)², Gheysvandi E (Ph.D)², Parsa P (Ph.D)⁴, Dogonchi M (Ph.D)²

¹ Associate Professor, Department of Public Health, School of Public Health and Social Determinants of Health Research Center, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

² Ph.D of Health Education and Health Promotion, Department of Public Health, School of Public Health and Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

³ Assistant Professor, Department of Public Health, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

⁴ Associate Professor, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

Received: 17 Sep 2020

Revised: 11 Nov 2020

Accepted: 12 Dec 2020

Abstract

Introduction: Proper counseling are very important to improve the quality of life and progress in society, especially in educational centers. The present qualitative study was designed and implemented according to the importance of deep students' opinions to improve the counseling process.

Methods: This present study was a qualitative study which was conducted using Content analysis. Participants in this study were 30 students who were selected through purposive sampling with maximum diversity. In this study, data were obtained to saturated level, using semi-structured interviews and were analyzed using Conventional content analysis in a way that after implement of interviews and floating in data analysis, the basic codes were extracted. In next steps, review, assessment and classifying of basic codes were done in order to determine main data levels.

Result: From the students' point of view, the challenges facing academic counseling included two main themes, four main categories and seven sub-categories. Main themes included "need to improve the organizational factors related to consulting process" and "need to improve the individual factors among faculty members and student" and the main categories included lack of proper information to the student, unavailability of consultant faculty members, to select consultant faculty members without considering a student opinion and to be improper the communication between consultant faculty members and student. Regarding the facilitators of the counseling process, one main theme (strengthening the organizational factors related to consulting process), three main categories and four sub-categories were obtained. The main categories included the separation of the counselor from the faculty members, empowerment of the counselors and student's freedom to choose a counselor.

Conclusion: The results of the present study show that the process of academic counseling in the university faces organizational and individual challenges such as lack of proper information to the student, unavailability of consultant faculty members, to select consultant faculty members without considering the students opinion, and to be improper the communication between consultant faculty members and students. Based on the students' views, it seems that by separation of the counselor from the faculty members, empowerment of the counselors and student's freedom to choose a counselor, the academic counseling process in the university can be improved.

Keywords: Counseling barriers, Counseling facilitators, Consultant faculty member, student guidance.

This paper should be cited as:

Rezapur-Shahkolai F, Salimi N, Ezzati Rastgar KH, Gheysvandi E, Parsa P, Dogonchi M. ***Students' perspectives in relation to academic counseling in the university: A qualitative study using Content analysis.*** J Med Edu Dev; 15(3): 171-181

*** Corresponding Author: Tel: +989186212848, Email: nooshin.salimi@yahoo.com**